

گذری بر ماجراهای کوچه‌ای قدیمی در محله عیدگاه که نوروز امسال، بازدید کنندگانش چند برابر شده بود

قدم زدن بهار در گذرِ محمدیه

رضا سلیمان نوری

حدود یک هفته مانده به پایان سال ۱۴۰۱ بود که امکان بازدید عمومی از خانه تاریخی غفوری فراهم شد و عید امسال مردم مشهد و البته زائران امام ثامن^(ع) فرصت پیدا کردند تا از چهارمین خانه تاریخی مشهد بازدید کنند. تا پیش از آن درهای سه خانه تاریخی، ملک،، «داروغه، و «توکل» به روی مردم باز شده و حالا باد صبا از درز پنجره‌های باز این خانه وزیدن گرفته است. خانه غفوری از نظر موقعیت مکانی در کوچه موسوم به،شهید حاجی حسنی کارگر ۳، قرار دارد. کوچه‌ای که علاوه بر این خانه میزبان دیدنی‌های دیگری چون خانه ثبت ملی محمدی، خانه تاریخی واحدی، خانه موزه شهیدان دهنوی، حمام زنانه اسلام و چند بنای هویتی دیگر نیز هست که نشان از تاریخ کهن این کوچه دارد. تاریخی که بیانگر جلوه‌ای کمتر شناخته شده از مشهد به عنوان شهر میزبان پیروان ادیان مختلف است. با این توضیح نخستین شماره از کوچه‌گردی‌های سال ۱۴۰۲ را به این کوچه اختصاص دادیم که هر چند در ابتدای آن تابلوی شهید حاجی حسنی کارگر ۳ نصب شده، اما اسامی گوناگونی را در طول تاریخ به‌صورت رسمی و غیررسمی تجربه کرده که معروف‌ترین آن‌ها «محمدیه، است و قدمتش با عمر محله عیدگاه برابری می‌کند.

- کوچه اقلیت‌های مذهبی در طول تاریخ



براساس اسناد موجود در دوران صفوی برخی از کوچه‌های فرعی محله عیدگاه مشهد(حدفاصل این راسته کوچه با پایین خیابان) به محل سکونت اقلیت‌های مذهبی اختصاص داشته است. این اقلیت‌ها در ابتدا تنها زرتشتیان ساکن مشهد را شامل می‌شده، اما بعدها یهودیانی که به دستور نادرشاه افشار به خراسان کوچ داده شده بودند نیز به این جمع اضافه می‌شوند که در اواسط دوران حکومت محمدشاه قاجار و در جریان واقعه ا...داد.(عنوان درگیری یهودیان و مسلمانان در این برهه از تاریخ است) همه آنان مسلمان می‌شوند. پس از این هم هست که در میانه کوچه اصلی محل سکونت یهودیان که پس از مسلمان شدن جدیدالاسلام‌ها لقب می‌گیرند، مسجدی با نام محمدیه پا می‌گیرد. ناگفته نماند که پس از واقعه ا...داد نام این کوچه نیز با نام رسمی «کوچه جدیدها، و غیر رسمی « محمدیه، خوانده می‌شده است. این نام‌ها را می‌توان تادوره قاجار دید و پس از آن است که در عصر پهلوی‌ها به «بهادرخان، تغییر پیدا می‌کند.

ماجرای تغییر نام این کوچه را می‌توان در روزهای پس از انقلاب اسلامی هم دید که در ابتدا به نام یکی از شهدای ساکن آن یعنی «شهید غلام‌حسن نهایی، نامیده می‌شود، اما در سال‌های اخیر و با ایجاد شارستان شهید حسنی کارگر تابلوی حسنی کارگر ۳ در ابتدای آن نصب شده است، ولی شناخته‌شده‌ترین نامش نه تنها در بین مردم، بلکه در بین نهادهای دولتی نیز همان محمدیه است.

- آغازین بناهای کوچه محمدیه



وضعیت کنونی این کوچه هم صرف‌نظر از داستان‌های تاریخی گذشته آن بسیار جالب است، زیرا که تقریبا تمام بناهای موجود در آن داستانی مخصوص به خود را دارند. برای نمونه، نخستین پلاک این کوچه(از سمت شارستان و شهید حسنی کارگر) به مسجدی اختصاص پیدا کرده که جایگزین مسجدی تاریخی اما تخریب شده است، در واقع نخستین آجرهای این مسجد که،(صاحب الزمان^(ع)) نام گرفته و هنوز در حال تکمیل شدن است، چندماهی بعد از تخریب مسجدی به همین نام در تقاطع شارستان و خیابان نواب صفوی (پایین‌خیابان) روی هم قرار گرفت. ماجرا از این قرار است که تخریب مسجد یاد شده در پایین خیابان که در طول زمان به نام‌هایی چون مسجد دو محرابه و روی پی‌آب و حوض معجردار هم خوانده شده و براساس برخی منابع اثری قاجاری بوده‌است با حواشی زیادی از جمله مخالفت‌گسترده طیف‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی شهر روبه‌رو شد، اما سرانجام پس از رضایت اوقاف به عنوان متولی آن، تخریب شد تا راست‌گرد شارستان ایجاد شود و البته مسجد هم در مکان جدید و با وسعتی بیشتر احیا شود، مکان جدیدی که در ابتدای کوچه کهن محمدیه‌ای تعیین شد. نخستین پلاک آغازین سوی دیگر این کوچه هم به یک مجتمع اقامتی فرهنگی با نام ولایت اختصاص پیدا کرده است که بیشتر به عنوان یک مرکز اقامتی برای مهمانان نهاد سازنده آن استفاده می‌شود.

- در مسیر خانه غفوری



درست در مجاورت این بنای اقامتی، کوچه‌ای قرار دارد که حلقه ارتباط اولیه دو کوچه کهن عسگریه و محمدیه محسوب می‌شود، در واقع در

بازدید کنندگانش چند برابر شده بود



این نقطه(از سمت عسگریه یا همان شهید حسنی کارگر ۱) بنای تاریخی و ثبت ملی عسگریه مرحوم عابدزاده را می‌توان مشاهده کرد و در نقطه مقابل آن با محمدیه هم دو خانه به نسبت قدیمی قرار دارند که اکنون بر بالای سردر هر تابلوی حسینیهِ هیئت عزاداران ابوالفضلی گردفرامرز یزد نصب شده تا مکانی برای سکونت وابستگان به این هیئت هنگام سفر به مشهد باشند.

در مجاورت این دو خانه و البته در ضلع مقابل آن هم دو قطعه زمین محصور قرار دارد که روزگاری در زمینشان چند خانه‌مسکونی قرار داشته، اما در جریان طرح قدیم بهسازی و نوسازی اطراف حرم مطهر خریداری و تخریب شده‌اند و هنوز برنامه‌ای برای آینده آن‌ها به اجرا گذاشته نشده است و اکنون به صورت موقتی به عنوان پارکینگ استفاده می‌شود. پس از این زمین یک خانه با قدمت پهلوی دوم، اما ارزشمند هم قرار دارد که از آن می‌توان به عنوان نخستین خانه مسکونی این کوچه نیز یاد کرد. در مجاورت این خانه هم زمینی رها شده قرار دارد که از آن به عنوان پارکینگ خانه‌های تاریخی غفوری و محمدی و البته مغازه‌های پارچه‌فروشی مجاور آن‌ها استفاده می‌شود. مقابل این زمین هم بنایی چندطبقه‌ای قرار دارد که تابلوی «حسینیهِ اتحادیه صنف لوازم بهداشتی، بر سر در آن نصب شده است. زمینی افتاده و البته حصار کشی شده هم پلاک بعدی کوچه را به خود اختصاص داده است.

- گل محله محمدیه



خانه تاریخی غفوری که نوروز امسال نخستین نوروزی بود که امکان بازدید عمومی از آن فراهم شده بود، پلاک بعدی این کوچه را به خود اختصاص داده است. این بنا که براساس اسناد رسمی میراث فرهنگی در دوران سلطنت قاجارها بر ایران ساخته شده است به روایت باستان‌شناس مستقر در آن در دوران نوروز حداقل عمری ۲۲۰ ساله دارد که شاید در بررسی‌های باستان‌شناسی کامل‌تر این عدد افزایش درخور توجهی پیدا کرده‌است و بنا از اثری قاجاری به سازه‌ای باقی‌مانده از دوران نادری و حتی اواخر صفوی تبدیل شود. خانه غفوری یگانه اثر چهاروجهی کامل مشهد در بین خانه‌های تاریخی شناخته شده شهر است که البته بخش شرقی آن در سال‌های گذشته به طور کامل تخریب شده و در مرمت‌های انجام شده در نیمه دوم سال گذشته از زیرزمین رخ برون آورده است. ویژگی دیگر این بنا هم معماری خاص آن است، به طوری که ضلع شمالی بنا از نمای بیرون دو طبقه دیده می‌شود، اما به هنگام رویت آن از حیاط خانه سه طبقه به چشم می‌آید و این درحالی است که اگر پا در طبقه منفی یک یا زیرزمین آن بگذارید متوجه چهارطبقه بودن این بخش از بنا می‌شوید، زیرا در زیر بخشی از آن حوض انبار خانه جابخوش کرده است. حوض انباری که در قدیم برای برداشت آب از آن باید حدود ۹ پله دیگر از کف زیرزمین پایین می‌رفته‌اند. این ویژگی خانه غفوری که آن را در بین تمامی خانه‌های تاریخی مشهد خاص کرده و به عبارتی به گل محله و کوچه محمدیه تبدیل کرده است. البته درست پشت این خانه هم دیگر پلاک ثبت ملی کوچه محمدیه یعنی خانه محمدی قرار دارد که هنوز در آن بر روی همه مردم باز نشده و اکنون بیشتر به عنوان یک بنای اقامتی از آن استفاده می‌شود. مهم‌ترین تشابه این دو خانه تاریخی تریینات آجری خاص آن‌ها و البته نحوه چیدمان درها و پنجره‌هاست که حکایت از تشابه زمانی دوران ساخت بخش جنوبی خانه غفوری و بنای اصلی خانه محمدی دارد.

- خانه‌ای برای شهدا



پلاک مجاور خانه غفوری به حسینیهِ محمدیه اختصاص دارد که خود برای رفع کمبود فضای قدیمی‌ترین بنای مذهبی این کوچه یعنی مسجد محمدیه ایجاد شده است تا عزاداران «هیئت متحده جان نثاران صاحب‌الزمان^(ع) محله عیدگاه، را راحتی بیشتری بتوانند برنامه‌های آیینی خود را برگزار کنند. در مجاورت این مسجد هم کوچه باریکی قرار دارد که تابلوی، شهیدان دهنوی، بر بالای آن نصب شده. زیرا که در انتهای آن خانه پدری و محل رشدونمو این شهیدان واقع شده است. خانه‌ای که به همت پدر شهیدان دهنوی چندین سال است به‌عنوان نخستین «خانه‌موزه شهید، در مشهد میزبان گروه‌های مختلف فرهنگی، مذهبی است که سعی در دانستن بیشتر درباره شهیدان و زندگی آنان

دارند. ناگفته نماند که در ضلع دیگر این کوچه و روبه‌روی مسجد و حسینیهِ محمدیه از حدود سال ۱۳۷۰ بنای حسینیهِ ساروی‌ها ایجاد شده است تا بخشی از زائران مرکز استان مازندران هنگام حضور در مشهد در این بنا اقامت کنند. در مجاورت آن هم یکی دو خانه پهلوی دومی قرار دارد که به دلیل دیوار آجرشان فضای این بخش از کوچه را قدیمی‌تر از دیگر بخش‌های کوچه محمدیه نشان می‌دهند.

- خانه‌ای زیبا اما ثبت نشده



خانه موزه شهیدان دهنوی در مجاورت ره‌باغ پردیس قرار دارد که بخش عمده‌ای از سمت جنوبی کوچه محمدیه حدفاصل محمدیه ۹ به همان شهیدان دهنوی تا تقریبا محمدیه ۳ را به خود اختصاص داده است. تقریبا از این منظر که در این بین یک پلاک ثبتی وجود دارد که پیش از این حسینیهِ بوده است و پس از تملک شهرداری از آن استفاده خدماتی می‌شود. ضلع شمالی کوچه در این محدوده هم به‌خانه تاریخی، اما ثبت ملی نشده واحدی، یک پارکینگ عمومی و حسینیهِ بنی‌فاطمه تهرانی‌های مقیم مشهد اختصاص دارد. خانه واحدی از آن دست خانه‌هایی است که انسان تا وارد آن نشده تصور نمی‌کند چنین بهشتی وجود دارد اما وقتی وارد آن شد دیگر دل کنند از آن برایش بسیار سخت است. یک خانه زیبا یادگار پهلوی اول که از هر نظر سالم است و هم اکنون می‌تواند میزبان پدرسالا و خانواده فرزندانش باشد. بخش بیرونی این خانه هم اختصاص به تعدادی مغازه پارچه‌فروشی خاص دارد. خاص ازاین نظر که اغلب فروشندگان آن از برادران مهاجر افغانستانی هستند که کالاهای خود را به صورت مستقیم از پاکستان و هندوستان وارد کرده و به قیمتی پایین‌تر از سایر نقاط شهر عرضه می‌کنند. البته تعداد دیگری از فعالان این صنف در ادامه کوچه محمدیه هم حضور دارند اما مغازه‌های خانه واحدی به دلیل قرار داشتن در گودی و یکرنگی نمای بیرونی آن‌ها جلوه‌ای خاص دارد.

- یک مسیر عجیب در کوچه عباسقلی‌خان



از ابتدای کوچه محمدیه ۳ در ضلع جنوبی و محمدیه ۲ در ضلع شمالی تا تقاطع کوچه محمدیه و کوچه عباسقلی‌خان دو عنصر حسینیهِ و پارچه‌فروشی بیش از هر چیز دیگری به چشم می‌خورد. در این محدوده حسینیهِ‌های مرن‌دیز بچستان، هیئت ابوالفضل العباس^(ع) بارجین میبد، حُفَلاَن مسلم^(ع) و سقینه‌النجاه قرار دارند. همچنین تعداد درخور توجهی مغازه پارچه‌فروشی در این محدوده واقع شده تا جایی که پلاک مسکونی تقاطع این کوچه و کوچه عباسقلی‌خان هم به فروشگاه‌های پارچه‌فروشی اختصاص پیدا کرده است و از هر اتاق این خانه سه طبقه به عنوان یک فروشگاه پارچه استفاده می‌شود. در این بین البته نبش کوچه محمدیه ۱ که حلقه رابط این کوچه با راسته کوچه عیدگاه بوده و در ابتدای آن از جانب عیدگاه تابلو سروش با عیدگاه ۶ نصب شده یک ساختمان نیمه کاره چندطبقه سال‌های سال است جابخوش کرده و زیبایی راسته محمدیه را با خطر روبه‌رو کرده است. و اما پایان بخش این مسیر تاریخی از یک‌سو یک لچکی سبز است که در وسط آن حوض نمایی قرار گرفته و چند صندلی برای استراحت زائران در آن تعبیه شده و از دیگر سو ورودی زنانه حمام ثبت ملی شده اسلام است. ورودی که در بین تعداد درخورتوجهی مغازه لباس و پارچه‌فروشی محصور شده است.



یادی از مهم‌ترین آیین‌های ماه مبارک رمضان در ایران قدیم

کلوخ‌اندازی برای شکستن گناه

کمال سیستانی

در اولین شماره مطبوعاتی سال ۱۴۰۲ که از قضا با ماه مبارک رمضان هم‌نشین شده، قرار است از آیین‌های رایج این ماه پربرکت در ایران قدیم بگوییم. از رسم‌ورسوم رضائی شهرها ودیارهایی که هرکدامشان همچنان که در اصل یک موضوع ملی یا مذهبی وفاق و همبستگی دارند، اما بسته به اعتقادات قومی و قبیله‌ای دارای آداب و رسوم متفاوتی هستند، آداب و رسومی که فرهنگ ایرانیان را در ماه میهمانی خداشکل داده و مانندگار کرده است. برای نمونه در زمانه‌ای که خبری از رادیو، تلویزیون و حتی ساعت نبوده است، مشهدی‌ها یا مشاهده هلال ماه رمضان تلاش می‌کردند با چرخیدن در هر کوی و کوچه و دق الباب خانه بیگانه و آشنا، آنان را از آمدن این ماه باخبر کنند.

این رسم، بعدها در کنار طبل‌نوازی و دمیدن در گُرنا با شعرهایی هم همراه شده که یکی از آنان چنین بوده است: «این در حولی‌رویه کر بلا/ صاحب حولی وجودش پی بلا/ آئی رمضان، ا... رمضان/ چوبکی برداشت گفتا روزه بدار/ آگه روزه بگیرم، لاغر مُشُم/ اگر نگیرم، کافر مُشُم/ آئی رمضان، ا... رمضان/ درای حولی دستگیرش طلا/ صاحب حولی مره کر بلا/ آئی رمضان، ا... رمضان/ درای حولی دستگیرش مسی/ صاحب حولی مره عروسی...» در این موقع رسم بوده که صاحب‌خانه هم با شنیدن این خبر خوش ظرفی شیرینی یا نقل و آجیل به جمعیتِ پشت در می‌داده و شیرین کامی را برای خانواده خود از خوانده‌ن طلب می‌کرده است. شبیه این رسم را با اندک تغییراتی می‌توان تقریباً در دیگر شهرهای خراسان نیز مشاهده کرد.

- رسم کلوخ‌اندازان تهرانی

در تهران قدیم اما رسمی بوده به نام، کلوخ‌اندازان، که معمولا سه یا یک روز مانده به ماه رمضان انجام می‌شده است. در این رسم، مردان تهرانی، لباس تمیز به تن می‌کرده و صورت خود را اصلاح می‌کرده‌اند. سپس با خانواده به طبیعت رفته، هنگام غروب کلوخی دست می‌گرفتند، رو به قبله می‌ایستادند و می‌گفتند: «خدایا گناهان خود را شکستیم و خود را برای عبادت و روزه ماه رمضان آماده کردیم، بعدهم کلوخ را محکم به زمین می‌زدند و عقیده داشتند با شکستن کلوخ تمام اعمال بدشان نابود می‌شود. افضل الملک، نویسنده کتاب «افضل التواریخ»، شرح رسم کلوخ‌اندازان عصر قاجاری را در روزگار مظفرالدین‌شاه این‌طور توضیح می‌دهد: «روز جمعه سلخ شعبان (روز آخر ماه قمری که در شام آن هلال در آسمان دیده شود) بندگان اقدس همایون شاهنشاهی بر حسب استدعای صدراعظم تشریف‌فرمای پارک شدند. تمام شاهنشاه‌زادگان و شاهزادگان عظام و وزرا و امرای نامدار بر حسب دعوت‌نامه هم‌همسپار شدند. رسم این صدارت عظمای این است که در هر سلخ شعبانی به جهت پیش‌آمدن ایام روزه، مجلس کلوخ‌اندازان برگزار کنند. البته این نام اصطلاح جدید ما فارسیان است و سبب نامیدن چنین روزی را به چنین اسم ندانیم.»

ناگفته‌نماند برخلاف گفته افضل‌الملک این نام هیچ جدید نبوده و پیشینه این رسم را پیش از قاجار، در شعری از صائب تبریزی هم می‌توان یافت که چنین سروده است: «روژه نزدیک است، می‌باید کلوخ‌انداز کرد/ زاهدان خشک را رندانه از سر باز کرد.»

- کلیدزنی کرمانی‌ها

آیین‌های رضائی در ایران قدیم تنها در گرامی داشتن آغاز نبوده و پیشینه این رسم را پیش از قاجار، در شعری از صائب همه رویدادهای آن رسمی و اعتقادی داشته‌اند. یکی از ایام آمیخته به رسوم در ماه رمضان به نیمه‌رسیدن آن بوده است. برای نمونه در شب‌های ماه رمضان به‌ویژه در نیمه‌ماه مبارک در کرمان مراسمی با عنوان «کلیدزنی، برگزار می‌شده است. در این رسم معمولاً زنان، آینه، سرمه‌دان و یک جلد کلام... مجید را داخل مجصری قرار می‌دادند و به منازل اهل محل می‌رفتند و درحالی که صورت خود را با چادر می‌پوشاندند، با کلید به سینی می‌زنند. صاحب خانه پس از شنیدن صدا و گشودن در، آینه داخل سینی را برمی‌داشته، به آن نگاه می‌کرده، سپس مقداری شیرینی، قند یا پول داخل سینی قرار می‌داده است. در پایان این مراسم که تا هنوز در اندک روستاهایی از ایران برگزار می‌شود، خوراکی‌ها یا پول جمع‌آوری شده بین مستمندان و نیازمندان تقسیم می‌شود.

سبزواری‌ها شب نیمه ماه رمضان را شب کاتل یا کُتل (به معنای کوه) می‌نامند و رسم دارند در این شب، نوعی نان‌روغنی که معمولا با روغن حیوانی، سبزی مخصوص، ادویه، پیاز و گوشت قورمه شده طبخ می‌شود، تهیه کنند. معنی و فلسفه این آیین هم آن است که آنان معتقدند، ماه رمضان مانند کوهی است که تا شب پانزدهم، نصف آن را - که سربالایی کوه بوده - طی کرده‌اند و با این غذای مقوی باقی آن را هم که سرازیری کوه است، راحت‌تر طی خواهند کرد.

شب ۱۵ ماه رمضان، نوجوانان و جوانان خوزستانی هم پس از افطار، با برگردن انداختن کبسه‌هایی از بیش تهیه شده به کوچه‌ها و گذرها رفته و عیدی جمع می‌کنند. در این آیین که عرب‌ها به آن «گرگیان، می‌گویند، شعری با این مضمون هم خوانده می‌شود: «ماجینه یا ما جینه/ حل الکبس و انطینا،» یعنی: «آمدیم و آمدیم، پس در کیسه را باز کن و به ما عیدی و شیرینی بده.»

- آتش‌زدن ابن‌ملجم در کاشان

کاشانی‌ها هم وقتی ماه تقریبا به آخر می‌رسد، رسم دارند که عروسک یا آدمکی از پارچه و چوب بسازند که نماد ابن‌ملجم مرادی است و آن را به آتش می‌کشند. بنا بر برخی روایات در شب ۲۷ ماه مبارک رمضان، امام حسن مجتبی^(ع) در پی قصاص قاتل پدر، ابن ملجم مرادی را به هلاکت می‌رساند. برای همین هم مردم کاشان در قدیم، عصر شب ۲۷ ماه رمضان آدمکی از چوب و لباس‌های کهنه می‌ساختند، رویش را با زغال سیاه می‌کردند و سوار بر الاغ آن را در شهر می‌گرداندند و در آخر نیز با خواندن شعر «ابن ملجم مراد/ آتش از گورت درآد،» به آتش می‌کشیدند.

همدانی‌ها اما شب قصاص ابن ملجم را پربرکت دانسته و آن را طور دیگری پاس می‌داشتند. به این شکل که در این روز، زنان روزه‌دار هنگام رفتن به مسجد و اقامه نماز ظهر به همراه خود پارچه و نخ و سوزن برده، در بین دو نماز ظهر و عصر با استفاده از این وسیله‌ها، یک یا چند کیسه می‌دوخته‌اند که به آن کیسه برکت می‌گفته‌اند. به اعتقاد مردم همدان هر فردی که داخل این کیسه پول بریزد، خداوند به وی مال و دارایی زیاد می‌بخشد.